

محبت به عروسک یا حیوان پارچه‌ای، رفتاری عاطفی است که مختص دختران است و پسران از آن منع شده‌اند. اما همان‌گونه که دختران حق دارند همانند پسران، توانایی‌های جسمانی خود را در تمرین‌های بدنی، بازی‌ها و ورزش‌ها پرورش دهند، پسران نیز حق دارند توانایی عاطفی خویش را با نوازش عروسک یا خرمن پارچه‌ای نشان دهند.

گفتن این که دختری «مثل پسرها»، یا پسری «مثل دخترها» رفتار می‌کند، در حکم تقسیم فعالیت‌های انسانی و بازی‌ها و ورزش‌ها به دو اردوگاه متفاوت است که یکی از آن دو - چون مختص پسران است - برای دختران ممنوع است و برعکس. اما همان‌گونه که دیده شد، هیچ‌یک از توانایی‌های انسان را، خواه در عرصه هوش و عاطفه و خواه در عرصه فعالیت، نمی‌توان در یک موجود بشری به سبب تعلقش به جنس مذکر یا مؤنث، رد کرد. گزینش باید براساس تمایلات و سلیقه‌های افراد صورت گیرد و نه براساس کلیشه‌های تبعیض جنسی.

طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی

مجموعه ملاحظات پیشین را که راهنمای تفصیلی برای بررسی کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان است، می‌توان در جدول شماره ۲ که با الهام از طرح پیشنهادی پژوهش درباره نروژ تهیه شده، خلاصه کرد. راهنمای نروژی شناسایی تبعیض جنسی، بررسی تطبیقی تعداد افراد مذکر و مؤنث و نیز فعالیت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی آنان را دربرمی‌گیرد.

طرح عرضه شده در جدول ۲ این مزیت را داراست که کلیشه‌های تبعیض جنسی را در چندین عرصه مشخص می‌کند؛ تعداد تطبیقی

اشخاص مذکر و مؤنث، مقایسه فعالیت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی براساس جنسیت. به علاوه می‌توان در این سه عرصه تحلیل، بررسی جداگانه عنوان‌ها، متن‌ها یا تصویرهای یک کتاب را مبنا قرار داد. این طرح همچنین شناسایی عرصه کلیشه‌های تبعیض جنسی را امکان‌پذیر می‌سازد، زیرا کتاب درسی یا کتاب کودکان ممکن است در یک عرصه آلوده به تبعیض جنسی باشد و در عرصه‌ای دیگر، نباشد؛ ممکن است در ترسیم زنان، حامل تبعیض جنسی باشد، ولی در ترسیم مردان، نباشد، ممکن است در عنوان‌ها و تصویرها طرفدار تبعیض جنسی باشد و در متن‌ها، نباشد. به عنوان مثال ممکن است یک کتاب دبستانی دستورزبان یا قرائت، از نظر شغل، فعالیت‌های ستی و غیرستی را به‌طور مساوی بین زنان و مردان تقسیم کرده باشد، اما در زندگی خانوادگی، همچنان مردان و زنان را براساس کلیشه‌های ستی نشان دهد: کارهای خانگی، خانه‌داری و تربیتی صرفاً برعهده زنان و دختران است (پسران و مردان از انجام آن‌ها معاف هستند). بنابراین با وجودی که در فصل‌های ۱ و ۲ نشان داده شده که کلیشه‌های تبعیض جنسی معمولاً در تمام عرصه‌ها در کنار هم قرار دارند، می‌توان درجات متفاوت تبعیض جنسی را در کتاب‌های مختلف شناسایی و تصور کرد.

برای وجود تبعیض جنسی در کتابی - اعم از درسی یا غیردرسی - حتماً نباید تبعیض جنسی در سه عرصه این طرح نمودار شود. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که کتاب درسی یا کتاب کودکان در چه عرصه‌ای نشان‌دهنده تبعیض جنسی است.

در عین خودداری از تفسیری مکانیکی، می‌توان جدول شماره ۳ را به ترتیب زیر تشریح کرد:

جدول شماره ۲. طرح راهنمای ساده برای تحلیل کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان

زنان دختران	مردان پسران	حیوانات ماده و نر
<p>۱. تحلیل تطبیقی تعداد افراد مطرح شده مذکر و مؤنث</p> <p>تعداد ضمیرهای مذکر و مؤنث</p> <p>عنوان‌ها: متن‌ها: تصویرها:</p> <p>تعداد دختران / پسران</p> <p>عنوان‌ها: متن‌ها: تصویرها:</p> <p>تعداد زنان / مردان</p> <p>عنوان‌ها: متن‌ها: تصویرها:</p>		
<p>۲. تحلیل تطبیقی فعالیت‌های مردانه و زنانه^۱</p> <p>فعالیت‌های سنتی (ACn)^۲</p> <p>فعالیت‌های غیرسنتی (ANCn)^۳</p> <p>عرصه‌های فعالیت</p> <p>فعالیت‌ها در خانه و در مدرسه</p> <p>الف) سنتی</p>		

ب) غیر سنتی

فعالیت‌های حرفه‌ای

الف) سنتی

ب) غیر سنتی

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

الف) سنتی

ب) غیر سنتی

دیگر فعالیت‌ها (سرگرمی‌ها، ورزش‌ها، بازی‌ها و مانند آن‌ها)

الف) سنتی

ب) غیر سنتی

۳. تحلیل تطبیقی ویژگی‌های شخصیتی مردانه و زنانه

سنتی (TCn)

غیر سنتی (TNCn)

۱. بدیهی است که طبقه‌بندی فعالیت‌های «سنتی» و «غیر سنتی» ممکن است در

کشورهای مختلف، متفاوت باشد. بنابراین استفاده‌کنندگان از این راهنما باید

این تفاوت‌ها را در نظر داشته باشند.

۲. جمع کل فعالیت‌های سنتی (ACn) برای هر جنس از راه محاسبه جمع

فعالیت‌های سنتی (الف) در هر دسته از فعالیت‌های برشمرده در بخش

«عرضه‌های فعالیت» به دست می‌آید.

۳. جمع کل فعالیت‌های غیر سنتی (ANCn) برای هر جنس از راه محاسبه جمع

فعالیت‌های غیر سنتی (ب) در هر دسته از فعالیت‌های برشمرده در بخش

«عرضه‌های فعالیت» به دست می‌آید.

۱. $Mn = Fn$ به معنای آن است که تعداد اسم‌های مذکر و مؤنث (ضمیرها، اسم اشخاص یا حیوانات در دسته مورد نظر، عنوان، متن یا تصویرها) در یک کتاب درسی، کتاب کودکان یا در مجموعه‌ای از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، باهم برابرند و در نتیجه اگر کمیت را در نظر بگیریم، تبعیض جنسی وجود ندارد. برعکس اگر تعداد اسامی مذکر بیشتر از تعداد اسامی مؤنث باشد ($Mn > Fn$)، با تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم.

۲. $ACn = ANCn$ به معنای آن است که تعداد فعالیت‌های سستی دختران (همین بررسی را در مورد پسران نیز می‌توان انجام داد) با تعداد فعالیت‌های غیرسستی برابر است و می‌توان گفت که در دسته مورد نظر (عنوان، متن یا تصویرها) تبعیض جنسی وجود ندارد. اگر برعکس، فعالیت‌های سستی دختران بیشتر از فعالیت‌های غیرسستی باشد ($ACn > ANCn$) آن‌گاه تبعیض جنسی وجود دارد. همین تحلیل را می‌توان در مورد پسران نیز انجام داد.

۳. $TCn = TNCn$ به معنای آن است که تعداد ویژگی‌های شخصیتی سستی دختران با ویژگی‌های غیرسستی آنان برابر است و بنابراین تبعیض جنسی در کار نیست. اگر برعکس، تعداد ویژگی‌های سستی بیشتر از تعداد ویژگی‌های غیرسستی باشد ($TCn > TNCn$) با تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم. همین تحلیل را در مورد پسران نیز می‌توان انجام داد.

در عمل، همان‌طور که پیشتر گفته شد، کاربرد مکانیکی این جدول در تمام عرصه‌های مورد نظر، دشوار است. در واقع نمی‌توان درباره کتابی به این نتیجه رسید که در تمام متن‌های آن، تعداد اسم‌ها و ضمیرهای مذکر و مؤنث، به طور منظم برابر است. اما در مورد تصویرها، به دلیل تأثیرگذاری

جدول شماره ۳. شناسایی تبعیض جنسی در یک کتاب درسی با استفاده از طرح راهنمای جدول شماره ۲

تبعیض جنسی	نبود تبعیض جنسی	
		۱. آمار مقایسه‌ای اسم‌های مذکر (Mn) و مؤنث (Fn): ضمیرها، اشخاص، حیوانات
$Mn > Fn$	$Mn = Fn$	عنوان‌ها
$Mn > Fn$	$Mn = Fn$	متن‌ها
$Mn > Fn$	$Mn = Fn$	تصویرها
		۲. فعالیت‌های تطبیقی سنتی (ACn) و غیرسنتی (ANCn) تحلیل مربوط به اشخاص مؤنث
$ACn > ANCn$	$ACn = ANCn$	عنوان‌ها
$ACn > ANCn$	$ACn = ANCn$	متن‌ها
$ACn > ANCn$	$ACn = ANCn$	تصویرها
$ACn > ANCn$	$ACn = ANCn$	عنوان‌ها
$ACn > ANCn$	$ACn = ANCn$	متن‌ها
$ACn > ANCn$	$ACn = ANCn$	تصویرها
		۳. ویژگی‌ها شخصیتی مقایسه‌ای سنتی (TC) و غیرسنتی (TNC): تحلیل مربوط به اشخاص مؤنث
$TCn > TNCn$	$TCn = TNCn$	عنوان‌ها
$TCn > TNCn$	$TCn = TNCn$	متن‌ها
$TCn > TNCn$	$TCn = TNCn$	تصویرها
$TCn > TNCn$	$TCn = TNCn$	عنوان‌ها
$TCn > TNCn$	$TCn = TNCn$	متن‌ها
$TCn > TNCn$	$TCn = TNCn$	تصویرها

گسترده تصویر بر ذهن کودکان، باید بیشتر دقت کرد و سخت‌گیرتر بود. درباره تقسیم ویژگی‌های شخصیتی و فعالیت‌های ستی یا غیرستی در میان افراد دو جنس، نسبت مطلوب ۵۰٪ است و تجاوز از این نسبت نباید بیش از ۱۰٪ باشد. وقتی که در مواردی تعادل به هم خورده است، شاید بتوان این برهم خوردن را به نوعی جبران کرد؛ به عنوان مثال اگر تعداد زنان از مردان کمتر است، اما ویژگی‌های شخصیتی و فعالیت‌های غیرستی آنان بیشتر از مردان باشد، آیا این امر در حکم حضور کیفی بیشتر زنان نیست؟

در هر حال، زدودن تبعیض جنسی از متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، با فقدان کامل یا کمبود نمایش دختران و زنان، و نیز با محبوس کردن آنان در چارچوب فعالیت‌ها و رفتارهایی که منفی یا فرودست محسوب می‌شوند، ناسازگار است.

طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی در فعالیت‌های حرفه‌ای

دومین راهنمای پیشنهادی، برای تحلیل تبعیض جنسی در فعالیت‌های حرفه‌ای اشخاص مؤنث و مذکر است. این راهنما (رجوع کنید به جدول شماره ۲ از پیوست شماره ۱) از پیشنهاد‌های یونسکو در چارچوب مجموعه بررسی‌های ملی درباره «سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان» به وام گرفته شده است و شناسایی فعالیت‌های حرفه‌ای زنان و مردان را آسان می‌سازد. بنابراین، اگر در کتابی بیشتر زنان در شغل‌های موسوم به زنانه نشان داده شده‌اند و نه به تعداد مساوی در شغل‌های دو ستون این راهنما، آن کتاب را می‌توان

آلوده به تبعیض جنسی دانست. همین داوری را می‌توان دربارهٔ حرفه‌های مردان نیز انجام داد. برعکس، اگر شغل‌های زنان در یک کتاب درسی یا کتاب کودکان تقریباً بین دو ستون راهنمای حرفه‌های کلیشه‌ای به طور مساوی تقسیم می‌شوند، می‌توان گفت که کتاب مورد نظر، در زمینهٔ فعالیت‌های حرفه‌ای زنان حامل تبعیض جنسی نیست.

تبعیض جنسی پنهان در ارجاعات اجتماعی و در فعالیت‌های اشخاص مذکر و مؤنث

بیشتر دیدیم که یکی از جنبه‌های - نه چندان بی‌اهمیت - تبعیض جنسی پنهان عبارت است از توجه و وضعیت فرودست دختران و زنان در مقایسه با پسران و مردان. ناگفته نماند که این توجه نه آشکارا، بلکه از این طریق صورت می‌پذیرد که هیچ‌گزینه یا راه‌حلی برای اصلاح این وضعیت یا از بین بردن این فرودستی ارائه نمی‌شود. بنابراین اگر زنان هیچ‌گاه نه به صورت افرادی مستقل از شوهر یا فرزندان، بلکه همواره در مقام همسر یا مادر نشان داده شوند، در واقع در حکم آن است که به شیوه‌ای موزیانه به کودکان القا شود که زنان فقط در مقام همسری وابسته به شوهر یا مادری تابع نیازهای فرزندان وجود خارجی دارند.

همچنین می‌توان برخی از جنبه‌های واقعیت اجتماعی را به نحوی نادیده گرفت که نمایش تحریف شده‌ای که از واقعیت ارائه می‌شود، تصویری کاذب را از پدیده‌ها در ذهن دانش‌آموزان دختر و پسر فرو کند. به عنوان مثال، برخلاف توصیه‌های یک ناشر بزرگ فرانسوی برای نویسندگان کتاب‌های درسی^۱، یک کتاب ادبیات حامل «تبعیض جنسی» در سال ۱۹۸۳ در پاریس دربارهٔ ادبیات قرن بیستم منتشر شد. از متن‌هایی که سه نویسنده این کتاب برگزیده‌اند به روشنی مشخص می‌شود که آنان آثار نویسندگان زن را با کم‌ارزش دانسته یا نادیده گرفته‌اند. به عنوان مثال این کتاب درسی از کتاب جنس دوم اثر سیمون دوبووار فقط ۲۰ سطر را نقل می‌کند که به انتقاد سیمون دوبووار از کتاب‌های مونترلان مربوط می‌شود و متن‌های فمینیستی سیمون دوبووار را بیش از رمان‌های

او، و جنبش طرفدار حقوق و آزادی زنان را پیش از هر جنبش اجتماعی دیگر، نادیده می‌گیرد.

بر اثر این سکوت‌ها و نادیده گرفتن‌ها، شاگردان دختر و پسر به برداشتی کاذب از ادبیات قرن بیستم، نقش واقعی زنان نویسنده در این ادبیات، و محتوای پیام‌ها و آفریده‌های ادبی آنان می‌رسند.

۴. انتشار کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی تبعیض ستیز

همان‌طور که دیده شد، به راحتی تمام می‌توان با استفاده از راهنمای شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی، این پدیده زیانبار را در کتاب‌های درسی یا کتاب‌های کودکان آشکار ساخت. بنابراین برای تهیه کتاب‌های تبعیض ستیز باید از هر آنچه به عنوان پیشداوری‌های تبعیض جنسی مشخص شده است، پرهیز کرد. راهنمایی که با این هدف تدوین شده باشد می‌تواند کار نویسندگان و تصویرگران مرد و زن را در تولید کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی تبعیض ستیز آسان سازد.

یکی از ناشران بزرگ آمریکایی (انتشارات مک‌گرو - هیل) در پاسخ به فراخوان فمینیست‌های آمریکایی، در سال ۱۹۷۲ راهنمایی برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی را تدوین کرد.^۱ این راهنما مرجع نویسندگان کتاب‌های درسی و غیردرسی است که این انتشاراتی منتشر می‌کند. در فرانسه نیز فرنان ناتان، ناشر کتاب‌های درسی و غیردرسی برای کودکان، توصیه‌هایی برای نویسندگان و تصویرگران تدوین کرده است.^۲

ما در این جا یک راهنمای مختصر برای آفرینش آثار تبعیض ستیز را که نه مانع است و نه جامع، عرضه می‌کنیم. خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند با مراجعه به راهنماهای پیشنهادی مک‌گرو - هیل و فرنان ناتان، راهنمای ما را تکمیل کنند.

۱. رجوع کنید به پیوست ۲.

۲. رجوع کنید به پیوست ۳.

راهنمای مختصر برای آفرینش آثار تبعیض ستیز تقسیم عادلانه اشخاص مذکر و مؤنث

تقسیم عادلانه اشخاص مذکر و مؤنث باید در سرتاسر آثار، اعم از عنوان، متن‌ها، نقل قول‌ها یا تصویرها وجود داشته باشد. در گزینش ضمیرهای شخصی و اسامی جمع، همواره باید برای اجتناب از برتر شمردن یک جنس بر دیگری، تلاش کرد.

تقسیم عادلانه نقش‌های متفاوت زنان و مردان

در خانواده

در یک اثر عاری از تبعیض جنسی، پسران و دختران به یک نسبت در حال انجام کارهای خانگی و نگهداری از برادر و خواهرهای کوچک‌تر، و مردان و زنان نیز به یک نسبت در حال خانه‌داری، نگهداری از بچه‌ها و تربیت آنان یا «تأمین نان» خانواده ترمیم می‌شوند. به همین ترتیب، دختران و پسران به عروسک‌بازی، مهمان‌بازی، توپ‌بازی و بازی‌های الکترونیکی می‌پردازند، از درختان بالا می‌روند، خیاطی و باغبانی می‌کنند، کاموا می‌بافند و...

در خانواده، مادر و پدر به صورت اولیای برابری که مسئولیت‌های همانندی دارند و پیش از تصمیم‌گیری‌های مشترک، با هم بحث می‌کنند، نشان داده می‌شوند. تصویر سنتی زوجی که در آن، زن تسلیم و مطیع، منفعلانه منتظر تصمیم شوهر است، باید ناپدید شود. اگر یکی از اولیا باید به ناچار برای نگهداری از بچه‌ها در خانه بماند، این فرد هم ممکن است پدر باشد و هم مادر. به جای القای این تصور که فعالیت حرفه‌ای مادر در

بیرون از خانه، به خانواده آسیب می‌رساند، باید نشان داد که کار زن به همان اندازه کار مرد اهمیت دارد و اگر زن و مرد، هر دو در بیرون کار کنند، به نفع خانواده است. در این باره یادآوری می‌کنیم که در بررسی‌های جامعه‌شناختی متعددی که در مورد این مسئله صورت گرفته، ثابت شده است که کار مادران در بیرون از خانه کاملاً به نفع فرزندان است.

از سوی دیگر فقط به نمایش تصویر خانواده سنتی و یا کامل، متشکل از پدر و مادر و فرزندان بسنده نمی‌شود. برعکس، همواره تلاش می‌شود تا نشان داده شود که چندین الگوی خانوادگی وجود دارد: از خانواده‌های گسترده که در آن‌ها زوج و فرزندان با اجداد، خویشاوندان جانبی و غیرخویشاوندان همزیستی دارند تا خانواده‌های تک والدی که ۸۰٪ از آن‌ها را زنان اداره می‌کنند. چنین زنانی را «رئیس خانه» می‌نامند. در واقع در جهان، ۳۳٪ خانواده‌ها را زنان اداره می‌کند و در نسبتی بسیار بالاتر، بقای زندگی زوج‌ها یا خانواده‌ها به کار زنان وابستگی دارد. باید از معرفی زنان فقط به عنوان همسر یا مادر خودداری ورزید، زیرا زنان همانند مردان در مقام اشخاص ازدواج نکرده یا بی‌فرزند نیز زندگی می‌کنند. در تصویرها باید کودکان را همان قدر در کنار و همراه پدر نشان داد که در کنار و همراه مادر، وگرنه این پیشداوری به کودکان القا می‌شود که نگهداری و تربیت فرزندان، مختص زنان است. به همین ترتیب مادر و پدر، زن و شوهر به یک اندازه در حال انجام کارهای آشپزی، خرده کاری، نظافت، شستشو و اتو کشیدن لباس‌ها و مانند آن‌ها ترسیم می‌شوند، زیرا هیچ کاری مربوط به خانه یا خانواده وجود ندارد که افراد هر دو جنس نتوانند آن را انجام دهند. خلاصه آن که فعالیت‌هایی که

در تمام دوره‌های زندگی (کودکی، بلوغ، بزرگسالی، سالخوردگی) در خانواده صورت می‌پذیرد، میان هردو جنس به طور مساوی تقسیم می‌شود و برای هردو، ارزشی واحد دارد.

در زندگی درسی

باید نشان داد که پدر و مادر، آموزگاران و دبیران مرد و زن و دیگر افراد بزرگسال، به آموزش و پرورش حرفه‌ای دختران و پسران، اهمیتی یکسان می‌دهند. پسران برای ادبیات و زبان‌ها، و دختران برای ریاضیات و علوم مستعد خواهند بود. پسرنی که مایلند یکی از حرفه‌های سنتی زنانه را داشته باشند و دخترانی که آرزومند داشتن یک شغل سنتی مردانه هستند، نشان داده می‌شوند.

در کتاب‌های تبعیض ستیز، نسبت مدیران مرد و زن، بازرسان مرد و زن برابر خواهد بود و مردان و زنان، وظایفشان را با کارآیی همانندی انجام می‌دهند. در این کتاب‌ها دیگر از گردشگاه‌ها و میدان‌های بازی که در آن‌ها، دختران با حالتی منفعل و مات و مبهوت، نظاره‌گر توپ‌بازی یا جنب و جوش پسران هستند، نشانی نخواهد بود. برعکس شاهد شرکت دختران در بازی‌های متنوع - مختلط یا غیرمختلط - خواهیم بود و آنان نیز به همان اندازه پسران، فعال، توانا، ماهر و ماجراجو خواهند بود. مقام رهبری در بازی‌ها نیز بین افراد دو جنس به تساوی تقسیم خواهد شد.

در زندگی شغلی

مسئولیت‌های کاری و شغلی نیز همانند وظایف تربیتی و خانگی به تساوی میان افراد دو جنس تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، زندگی شغلی

در انحصار مردان نخواهد بود و زنان نیز در قفس تنگ خانه اسیر نخواهند شد، بلکه نقش‌های خانگی و شغلی به تساوی میان مردان و زنان تقسیم خواهد شد. همچنین زنان و مردان در شغل‌های مرسوم و مستثنی‌زنانه یا مردانه محبوس نخواهند شد. به عنوان مثال شاهد زنان مهندس، هوانورد، خلبان، پزشک، جراح، معمار، ریاضیدان، برقکار، کارگر بسیار متخصص خواهیم بود، همان‌گونه که مردان پرستار، ماشین‌نویس، کارگر ساده یا فروشنده در مغازه لبنیاتی را نیز مشاهده خواهیم کرد. صلاحیت و آگاهی شغلی، بلندپروازی، علاقه به حرفه، میل به دانش، به مفید بودن در شغل خود، به ارتقای آگاهی و توانایی کاری خویش، به شرکت در اکتشافات علمی یا آفرینش هنری، به نسبت مساوی در افراد دو جنس دیده خواهد شد و وضعیت نقش‌های منفی نیز به همین ترتیب خواهد بود. (بی‌صلاحیتی، فقدان آگاهی شغلی، بی‌علاقگی به حرفه، سر باز زدن از کسب دانش، از مفید بودن، از ارتقای آگاهی و توانایی کاری خود و از بالا بردن سطح شغلی خویش به طور کلی). نقش‌های سلسله مراتبی نیز به تساوی میان مردان و زنان تقسیم خواهد شد. دیگر فقط مردان را در نقش رئیس و مدیرکل، مدیر بیمارستان، مدرسه، آزمایشگاه تحقیقاتی، مؤسسه صنعتی، بازرگانی، بانک و مانند آن‌ها نخواهیم دید، بلکه برعکس نشان داده می‌شود که زنان نیز می‌توانند در زندگی شغلی، نقش‌های رهبری، مدیریت و ریاست را به خوبی تمام انجام دهند. خصوصیات منفی یا مثبتی که با اجرای این کارها همراه است به تساوی میان دو جنس تقسیم خواهد شد و روحیه ابتکار، صلاحیت‌ها و توانایی‌های زنان به همان اندازه مردان همشغل و همکارشان خواهد بود. بدین ترتیب کودکان دیگر و سوسه نخواهند شد که ارزش صلاحیت و

نقش‌های سلسله مراتبی مردان را به غایت بالا برند و از ارزش زنان زحمتکش بکاهند، زنانی که متن‌ها و تصویرهای آلوده به تبعیض جنسی، معمولاً نافی صلاحیت، اهمیت و نیز تنوع تخصص‌هایشان هستند. در نتیجه این اقدامات، حرفه‌ها و تخصص‌های زنان، معرفی می‌شوند و از ارزش و اعتبار و احترام برخوردار می‌گردند.

در نقش‌های اجتماعی و سیاسی

در نقش‌های اجتماعی غیر از نقش‌های شغلی، زنان به همان اندازه مردان نشان داده خواهند شد، نه فقط از نظر کمی، بلکه همچنین از نظر کیفی. شاهد آن خواهیم بود که زنان نقش‌های سیاسی و اجتماعی را انجام خواهند داد و این کار را در تمام سطوح (روستا، محله، منطقه، ملت، نهاد بین‌المللی، بین‌حکومتی یا حکومتی) و با همان صلاحیت، همان قدرت و همان روحیه ابتکار همکاران مردشان به پیش خواهند برد. خصوصیات منفی همراه با این با آن نقش فقط نصیب زنان نخواهد شد، بلکه مردان نیز به همان نسبت از آن‌ها سهم خواهند داشت. همان‌گونه که در پژوهش مربوط به نروژ خاطر نشان شده است [12] برای ارزش بخشی یکسان به زنان و مردان، باید جدیدترین پژوهش‌ها را درباره زنان (در علوم اجتماعی، تاریخ و دیگر عرصه‌ها) در نظر گرفت. و یا به پیشنهاد پژوهشی که درباره کویت صورت گرفته است [25]، تاریخ مشاهیر گذشته نباید فقط نمایندگان یک جنس را برجسته سازد. در دنیای امروز، هرچند در رأس حکومت‌ها، تعداد مردان بیشتر از زنان است، بسیاری از زنان، همتای مردان در جامعه مدنی به انجام کارهای اجتماعی لازم برای بقای جامعه مشغول هستند (زنان بسیاری مبتکر ایجاد انجمن‌هایی هستند که

برای صلح، برای متقاعد کردن حکومت‌ها به گزینش الگوی توسعه براساس عدالت و حفظ طبیعت و نوع بشر، پیکار می‌کنند). تمام این فعالیت‌ها را که غالباً «آغازگرانشان» زنان بوده‌اند، احزاب سیاسی ناچیز و نادیده گرفته و کم ارج شمرده‌اند. بنابراین باید در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، ارزش آن‌ها را مطرح ساخت.

از ترسیم عرصه‌ها یا موقعیت‌هایی (خانواده، شغل، زندگی سیاسی یا اجتماعی و مانند آن‌ها) که فقط جایگاه تجلی ابتکار و هوش و فداکاری افراد یک جنس است، پرهیز خواهد شد. نباید توصیف دو جنس چنان باشد که گویی زنان جز در زندگی خانوادگی، هوش و پختگی و ابتکار از خود نشان نمی‌دهند و فقط مردان می‌توانند این صفات را در زندگی سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی و شغلی، بروز دهند. صفات مثبت فکری، عاطفی و ارادی (یا نقطه مقابل منفی آن‌ها) در تمام عرصه‌های زندگی خانوادگی، شغلی، اجتماعی، سیاسی به تساوی میان افراد هر دو جنس تقسیم خواهد شد. می‌توان زنان و مردان را به یک اندازه در انجام کارهای خانگی ورزیده و ماهر نشان داد. همین کار را باید در مورد زندگی شغلی و سیاسی نیز انجام داد.

بدین ترتیب کودکان به جای این تصور که خانواده، جایگاه اختصاصی زنان، در مقام همسر و مادر است، و زندگی شغلی، اجتماعی و سیاسی، فقط به مردان تعلق دارد، درخواهند یافت که هیچ جایگاه اختصاصی برای یک جنس وجود ندارد و زنان نیز همتای مردان می‌توانند در هر یک از بخش‌های جامعه خوش بدرخشند.

تقسیم عادلانه خصوصیات مثبت و منفی میان هر دو جنس

برای کنار زدن کلیشه‌های تبعیض آمیزی که همواره خصوصیات مثبت را به یک جنس و خصوصیات منفی را به جنس دیگر نسبت می‌دهند، باید دختران و پسران، زنان و مردان، برحسب مورد، از نسبت مساوی در ویژگی‌های روانی یا جسمانی مثبت و منفی برخوردار باشند. دختران درست مثل پسران، برحسب مورد، مطیع یا تابع پدر و مادر و بزرگسالان، یا نافرمان، مستقل و یاغی توصیف خواهند شد.

جنبه جسمانی و پوشاکی

در متن‌ها، عنوان‌ها، تصویرها، زنان و دختران دیگر به حالت مطیع و منفعل و یا در لباس‌های قراردادی که شاهد حالت وابستگی و نقش قراردادی است که از نمایندگان جنس مؤنث انتظار می‌رود، نشان داده نخواهد شد. در نتیجه در تصویرها زنان و مردان به تعداد مساوی در لباس مناسب برای انجام کارهای خانگی نشان داده خواهند شد تا کودکان نپندارند که آشپزی یا خانه‌داری مختص زنان است و بس. در میان بچه‌هایی هم که لباس نامرتب دارند، همان قدر پسر وجود دارد که دختر، زیرا هر کودکی، اغم از پسر یا دختر، حق دارد از درخت بالا برود، دوچرخه سوار شود، فوتبال بازی کند و در حین بازی دست و صورت و لباسش را کثیف کند. همچنین تعداد پسران و مردان طناب‌باز نیز به اندازه دختران و زنان طناب‌باز و خوش‌پوش خواهد بود. در واقع باید این کلیشه را که ارزش دختران و زنان را فقط در آرایش و عشوهرگری خلاصه می‌کند،

و در نهایت آنان را تا حد اشیای جنسی پایین می آورد، به دور انداخت. در یک کلام، سر و وضع نامرتب، درست مثل خوش پوشی و طنازی، و نیز انواع متفاوت پوشاک و آرایش به تساوی میان افراد هر دو جنس تقسیم خواهد شد.

امتیازها و کمبودهای فکری

در میان بچه های باهوش، لایق، دارای استعداد درخشان، برخوردار از تخیل قوی، آفرینشگر، مستعد برای ریاضیات و علوم و هنر، یا برعکس در میان بچه های کم هوش، نالایق، بی استعداد، با تخیل ضعیف، بی بهره از آفرینشگری و بی استعداد برای ریاضیات و علوم و هنر، همان قدر دختر یافت خواهد شد که پسر. در نتیجه تمام خصوصیات فکری، اعم از منفی یا مثبت که معمولاً برخی از آنها به زنان و برخی دیگر به مردان نسبت داده می شود، میان افراد دو جنس به تساوی تقسیم خواهد شد.

امتیازها و کمبودهای عاطفی

باید کوشید تا در ترسیم افراد آزموده، فداکار، دلسوز دیگران، مسلط بر خویش، آرام، مهربان، بی غرض و یا برعکس، نا آزموده، خود پرست، بی اعتنا به دیگران، تأثیر پذیر، خشن، سنگدل و مغرض، تعداد دختران با پسران، و زنان با مردان برابر باشد.

امتیازها و کمبودهای ارادی

باید کوشید تا در نشان دادن افراد فعال، مستقل، بی پروا، با اعتماد به نفس، مصمم، پیگیر، نترس، قهرمان و یا منفعل، وابسته، ترسو، بی اعتماد

به نفس، نامصمم، ناپیگیر، ترسو، بزدل، تعداد دختران با پسران، و زنان با مردان برابر باشد.

این ویژگی‌های شخصیتی مثبت یا منفی، در تمام عرصه‌ها (خانواده، جامعه، زندگی درسی، شغل، زندگی اجتماعی، تفریحات، ورزش و مانند آن‌ها) به یک نسبت میان افراد هر دو جنس تقسیم خواهد شد.

پرهیز از تبعیض جنسی در واژگان و دستور زبان

در واژگان

پژوهشی که درباره کویت صورت گرفته است [25] با اشاره به این که کاربرد واژه عربی مذکر «بشر» نشان‌دهنده تبعیض جنسی است، پیشنهاد می‌کند که عبارت «زنان و مردان» جایگزین آن گردد تا تصور نشود که همه افراد بشر صرفاً با جنس مذکر معرفی می‌شوند. در زبان فرانسه نیز کاربرد واژه جمع مذکر (Les hommes) برای اشاره به افراد بشر به نادیده گرفتن جنس مؤنث و خوار شمردن آن در ذهن بچه‌های هر دو جنس می‌انجامد. بنابراین بهتر است واژه‌ای را به کار برد که هر دو جنس را بی‌هیچ تمایزی نشان می‌دهد (به عنوان مثال: "humanité") و یا صاف و ساده، عبارت «زنان و مردان» را در نوشتار و گفتار به کار گرفت. همچنین می‌توان اصطلاح "Les droits des ~~humains~~" (حقوق مردمان) را جایگزین "Les droits de l'homme" (حقوق بشر) کرد. در زبان انگلیسی واژه‌های تبعیض آمیزی مانند *Mankind* (نوع بشر) *forfathers* (اجداد، نیاکان)، *the average man* (انسان معمولی) را می‌توان با واژگان خنثی جایگزین کرد (به عنوان مثال به جای *chairman*، از *chairperson* استفاده

کرد) و یا به هر دو جنس استناد ورزید (به عنوان مثال *womankind* و *The average man* و *the average woman*، *for fathers* و *for mothers*، *mankind* و مانند آنها).

اسامی حرفه‌ها را که بیشتر اوقات به جنس مذکر وابسته‌اند، باید با نام‌هایی به دور از نشان جنسی جایگزین کرد تا کودکان دریابند که افراد هر دو جنس می‌توانند آنها را انجام دهند. این کار را در زبان‌هایی مانند فرانسوی یا اسپانیایی که اسامی مؤنث پذیر هستند، می‌توان با مؤنث کردن اسامی حرفه‌ها و مشاغل انجام داد (مثلاً اهالی کِپِک، هنگام سخن گفتن از زنان، علامت تأنیث را به اسامی حرفه‌ها و مشاغل می‌افزایند و می‌گویند آن زن *docteure*، *auteure*، *coordonnière*، *professoure* است). در زبان‌های دیگر می‌توان خود اسامی را تغییر داد (در انگلیسی به عنوان مثال می‌توان *fireperson*، *mail carrier* را به ترتیب جایگزین *fireman* و *mailman* کرد).

در دستور زبان و نحو

قاعده دستوری زبان فرانسه که بر طبق آن باید در صورت وجود دو نفر (یکی مذکر و دیگری مؤنث) صفت‌ها و اسم مفعول را مذکر کرد، قاعده‌ای تبعیض‌آمیز است که بی‌تردید باید عوض شود. همچنین در کاربرد ضمیرهای مذکر در زبان فرانسه و اسپانیایی برای اشاره به جمعی مرکب از اشخاص هر دو جنس نیز باید تجدیدنظر شود: هنگامی که از دو نفر، یکی مذکر و دیگری مؤنث سخن می‌گوییم، به جای ضمیر مذکر جمع (ils) (آنان) باید بگوییم "il et elle" (آن مرد و آن زن).

پژوهشی که درباره کویت صورت گرفته نشان می‌دهد که در زبان

عربی نیز برای اشاره به دونفر (یکی مذکر و دیگری مؤنث) صیغه مذکر به کار برده می‌شود. این پژوهش خواستار حذف این نابرابری و به کار بردن معادل عربی جمله انگلیسی زیر شده است: «The average Arab drink «The average Arab drinks "his" coffee»

هر زبانی قواعد و ازگان، دستور زبان و نحو خاصی دارد و وظیفه دستور زبان دانان و زبان‌شناسان هر زبان است که تغییرات لازم را برای زدودن تمام جنبه‌های تبعیض آمیز در زبان خویش انجام دهند.

۵. اقدامات ضروری برای پاکسازی نظام آموزشی از تبعیض جنسی

پیشتر دیدیم که تبعیض جنسی، آن‌گونه که در کتاب‌های درسی و در مدرسه جلوه‌گر می‌شود چیزی جز بازتاب تبعیض جنسی در کل جامعه نیست. در نتیجه برای از بین بردن تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی، نباید تلاش ما فقط به نظام آموزشی محدود شود. نظام آموزشی مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی حساس یا بی‌اعتنا به وجود کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی را دربر می‌گیرد. به همین سبب اقدامات تبعیض‌ستیز را باید به حوزه فعالیت یکایک آن‌ها گسترش داد؛ وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ، کارکنان اداری یا آموزشی مدارس، مربیان و مشاوران تربیتی، و سرانجام خود دانش‌آموزان. این اقدامات را می‌توان برحسب موقعیت و ابزارهای در دسترس، همزمان یا پیاپی در تمام عرصه‌های موردنظر به پیش برد. در این جا چند نمونه از فعالیت‌هایی را که تاکنون انجام شده و نیز چندین پیشنهاد را عرضه می‌کنیم. در این میان اساساً به اقدام‌های تبعیض‌ستیز نزد عوامل زیر توجه داریم: وزارت‌خانه‌ها یا اداره‌های آموزش و پرورش و فرهنگ؛ کارکنان اداری و غیرآموزشی مدارس؛ کارکنان آموزشی و آموزگاران؛ مربیان و مشاوران تربیتی؛ شاگردان. این اقدام‌ها ممکن است شامل طرح مشکل و آگاهی بخشی، پرورش، یا وضع قوانین باشد. جدا کردن این سه مقوله دشوار است - ما نیز برای روشنی هرچه بیشتر مباحث به این کار دست نخواهیم زد - زیرا که اقدام در هر یک از این زمینه‌ها پیوندی ناگسستنی با دیگر زمینه‌ها دارد؛ به

عنوان مثال هرگونه قانونگذاری آموزشی بر ضد تبعیض جنسی، به خودی خود ارزش آگاهی بخش دارد و به کار تربیتی و پرورش می پردازد. به همین ترتیب اقدام های آگاهی بخش را می توان در گردهمایی های تربیتی انجام داد.

اقدامات لازم در وزارت خانه ها یا اداره های آموزش و پرورش و فرهنگ

در میان تمام وزارت خانه ها وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ، مهم ترین نقش را در پیکار با تبعیض جنسی برعهده دارند، زیرا این وزارت خانه ها، بر حسب نظام های حاکم بر کشورهای مختلف، نظام آموزشی رایج را از دور یا نزدیک در اختیار و زیر نظر دارند. چگونگی اقدامات ضد تبعیض جنسی به نقش دولت و بخش خصوصی در نظام آموزشی بستگی دارد. هنگامی که وزارت آموزش و پرورش یا وزارت فرهنگ، مسئول تهیه و تدوین و تصویرگری و چاپ کتاب های درسی باشد، اقدامات خاصی لازم است و هنگامی که مسئولیت این کار برعهده بخش خصوصی است، اقداماتی دیگر لازم می شود.

در مورد اول، اقدامات لازم در وزارت آموزش و پرورش یا فرهنگ در وهله اول به خواست و اراده حکومت برای محو یا بقای تبعیض جنسی در کتاب های درسی بستگی دارد. اگر حکومت طرفدار محو این تبعیض باشد، دو وزارتخانه مورد نظر سیاست خود را با عوامل دست اندرکار کتاب های درسی (نویسندگان، بنگاه های انتشاراتی، تصویرگران و غیره) در میان می گذارند.

در کشورهایی که اقتصاد برنامه ریزی شده دارند و در آنها، تهیه و

چاپ کتاب‌های درسی زیر نظر یا به دست دولت انجام می‌شود، فعالیت‌های ضد تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، در اصل باید آسان‌تر باشد. در کشورهایی که اقتصاد بازار آزاد دارند و در آن‌ها تهیه و تدوین و انتشار کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تا حد زیادی در اختیار بخش خصوصی است، اقدامات ضد تبعیض جنسی در وزارت‌خانه‌ها، ادارات یا انجمن‌ها بیشتر به خواست افکار عمومی یا ابتکار وزات‌خانه‌ای که بیشترین مسئولیت را در دفاع از حقوق زنان بر عهده دارد، وابسته است. در نخستین مرحله، تأثیری که افکار عمومی می‌تواند بر وزارت یا اداره آموزش و پرورش بگذارد، از رهگذر جنبش‌های «طرفدار حقوق و آزادی زنان» عملی می‌شود: این جنبش‌ها فعالیت خود را در عرصه تحقیقات، چاپ مقالات در مطبوعات و برگزاری گردهمایی برای افشای تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی افزایش می‌دهند. در این مورد کافی است که به نمونه ایالات متحده آمریکا اشاره کنیم که در آن جا «طرفداران حقوق و آزادی زنان» تحقیقاتی عالی را همراه با اقدام‌های عملی درخشان انجام داده‌اند. از جمله، «طرفداران حقوق و آزادی زنان» در ایالت نیوجرسی در سال ۱۹۷۲، براساس تحلیل ۲۷۶۰۰ داستان و سرگذشتی که در ۱۳۴ کتاب درسی دبستانی رایج در این ایالت به چاپ رسیده، تبعیض جنسی را در کتاب‌های درسی آمریکایی افشا کرده‌اند [32]. در همان سال ل. ویتزمن مقاله‌ای در نشریه *American Journal of sociology* [32] به چاپ می‌رساند. کمی بعد، در ۱۹۷۴، «طرفداران حقوق و آزادی زنان» در بخش روان‌شناسی دانشگاه میشیگان یک نشریه ادواری را به نام *Sex discrimination in education newsletter* (خبرنامه تبعیض جنسی در آموزش و پرورش) برای پیکار با

تبعیض جنسی در نظام آموزشی، به ویژه در کتاب‌های درسی به راه انداختند. در همان زمان در مجموعه کتاب‌های جیبی، اثری اساسی منتشر شد که تمام جنبه‌های تبعیض جنسی را در نظام آموزشی آمریکا دربر می‌گرفت [17]. در همین ایام زنان دانشگاهی نیز که از سال ۱۹۷۰ پژوهش‌های مربوط به زنان (*Woman studies*) را در دانشگاه‌های آمریکایی تدریس می‌کردند (از جمله سوزان برود (Susan Béraud) در دانشگاه کورنل یال. ویتزمن در دانشگاه کالیفرنیا) با رساله‌ها و کتاب‌های دانشگاهی خود به تقویت اقدامات ضد تبعیض جنسی پرداختند و دامنه این فعالیت‌ها به مقامات رهبری وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و بهزیستی ایالات متحده آمریکا رسید.

در فرانسه، فعالیت طرفداران حقوق و آزادی زنان در آغاز دهه هفتاد با حمایت وزارت حقوق زنان، بر وزارت آموزش و پرورش تأثیر گذاشت و این وزارت‌خانه را به صدور بخشنامه‌ای درباره تبعیض جنسی واداشت. این بخشنامه که در *Bulletin officiel* (روزنامه رسمی) شماره ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۲ منتشر شده است، مقرر می‌دارد که از سال تحصیلی ۱۹۸۲/۱۹۸۳، باید فعالیتی آموزشی برضد پیشداوری‌های تبعیض آمیز و «برای پیکار با پیشداوری‌های تبعیض جنسی در مجموعه برنامه‌های تمام رشته‌ها و فعالیت‌های آموزشی و نیز در تمام سطوح آموزشی دوره ابتدایی و متوسطه» در پیش گرفته شود. علاوه بر این، وزارت حقوق زنان اجازه ایجاد کمیسیونی را در آکادمی پاریس برای زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی به دست آورد که اولین هدف آن، تهیه گزارشی از وضع موجود تبعیض جنسی در این عرصه است. این کمیسیون تشکیل شده است از: بازرسان آکادمی پاریس، نمایندگان از

اتحادیه‌های آموزگاران، انجمن‌های اولیای دانش‌آموران و وزارت حقوق زنان، در پی تحقیقات این کمیسیون معلوم شد که «در بعضی از موارد، استناد به اصل آزادی آموزشی آموزگاران، سرپوشی است بر مقاومت در برابر تغییر مقامات اداری و آموزشی وزارت آموزش و پرورش و فرهنگستان‌های متفاوت وابسته به آن».

فعالیت ضد تبعیض جنسی در وزارت‌خانه‌ها ممکن است مسئولان آن‌ها را به واکنش در برابر عواملی که تابع این وزارت‌خانه‌ها هستند (آموزگاران، مربیان، مشاوران و مانند آنان) یا در برابر ناشران و نویسندگان کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، وادار سازد.

اقدامات لازم در میان کارکنان اداری و غیر آموزشی مدارس

این اقدامات بسیار متنوع هستند و چندین نهاد ممکن است به آن‌ها بپردازند: از جمله، انجمن‌های محلی، وزارت‌خانه‌ها، گروه‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان، و...

به عنوان مثال در فرانسه، «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» فعالیتی گسترده را در میان مسئولان آموزشی دوره ابتدایی به پیش برده است. هدف این انجمن عبارت است از: «پیکار با ترسیم ستی نقش‌های مذکر و مؤنث در تصویرها و متن‌های کتاب‌های درسی؛ جلب توجه آموزگاران، اولیای شاگردان، انجمن‌های اولیا و مربیان، مسئولان اداره و بازرسی مدارس، منتخبان محلی، ناشران، نویسندگان به جنبه تبعیض‌آمیز کتاب‌های درسی» [33].

از سوی دیگر در پی فعالیت وزارت حقوق زنان، وزارت آموزش و پرورش بخشنامه‌ای صادر کرد که براساس آن، مدیران مدارس، کالج‌ها،

دبیرستان‌ها، رئیس بخش ورزش و تربیت‌بدنی، مسئول اقدام تربیتی و آموزشی برضد پیشداوری‌های تبعیض جنسی در مدرسه هستند (بخشنامه ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۲).

در ایالات متحده آمریکا، اصلاحیه آموزشی وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و بهزیستی در اکتبر ۱۹۷۶ مقرر می‌دارد که به هر یک از دولت‌های محلی ایالات مختلف آمریکا که هماهنگ با دفتر آموزش و پرورش دولت یا هر نهاد با صلاحیت دیگر، اداره ویژه‌ای برای زدودن تبعیض جنسی در برنامه‌های آموزشی ایجاد کنند، سالیانه دست کم ۵۰/۰۰۰ دلار اعطا خواهد شد. این قانون ممکن است به آن دسته از مدارس آمریکایی یاری برساند که زدودن تبعیض جنسی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

نروز از سال ۱۹۷۴، یک برنامه درسی ملی را برای زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی در اختیار مدیران و آموزگاران دبستان‌ها و دبیرستان‌ها قرار می‌دهد. در جمهوری فدرال آلمان نیز کمیسیونی ایجاد شده که هدف آن بازبینی تمام مواد و کتاب‌های درسی برای «زدودن همه کلیشه‌های مربوط به نقش‌های متضاد و تبعیض آمیز است». در اتریش یک گروه کاری بین‌حکومتی، راهنمایی را برای نحوه تبعیض‌ستیز معرفی مردان و زنان و زندگی خانوادگی در کتاب‌های درسی تهیه کرده است. با وجودی که این راهنما در نوامبر ۱۹۸۰ ارائه شده است «هنوز باید چند سالی صبر کرد تا دگرگونی‌های مهم رخ بدهند» [34:134].

ایجاد کمیسیون‌های ویژه در وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ، و یا در درون حکومت منطقه یا محلی که مدارس در چارچوب آن‌ها جای دارند، چه بسا توجه کارکنان اداری مدارس را به مسئله تبعیض جنسی

جلب کند.

در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، به هیچ فعالیتی در میان کارکنان اداری مدارس اشاره‌ای نمی‌شود. زیرا که اداره‌های فرهنگ یا آموزش و پرورش، کار تهیه و چاپ کتاب‌های درسی را در چارچوب بنگاه‌های انتشاراتی دولتی زیر نظر دارند و آن‌ها را مستقیماً در اختیار مؤسسات آموزشی می‌گذارند. در نتیجه در این کشورها فعالیت در میان بنگاه‌های انتشاراتی و نویسندگان کتاب‌های درسی، نقش درجه اول دارد؛ اما در کشورهایی که اقتصاد بازار آزاد دارند، اقدامات ضد تبعیض جنسی در میان عوامل گوناگونی که در کار آموزش و پرورش نقش دارند، تقسیم می‌شود: از جمله کارکنان اداری مدارس، آموزگاران، اولیای شاگردان و...

پژوهشی که دربارهٔ کویت صورت گرفته است [25] کتابخانه‌ها را تشویق می‌کند که در گزینش کتاب‌های کودکان، تعادل را رعایت کنند: کتاب‌های خاص زنان و خاص مردان، کتاب‌هایی که نویسندگانشان زن، و آن‌هایی که نویسندگانشان مرد هستند.

پیشتر گفته شد که تبعیض جنسی در مدرسه، در سلسله مراتب اداری مدارس نیز جلوه‌گر می‌شود، زیرا مقام‌های مدیریت و فرماندهی غالباً به مردان، اما مقام‌های اجرایی (عمدتاً در کارهای آموزشی) به زنان اختصاص دارد. بنابراین اگر ساختار خود نظام آموزشی تبعیض آمیز باقی بماند و الگویی برای نقش‌های کلیشه‌ای مردان و زنان در جامعه باشد، اقدام وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ یا مدیران مدارس در تغییر محتوای کتاب‌های درسی، برای کمک به شکوفایی همه‌جانبه توانایی‌های شاگردان کافی نیست. به همین سبب جای آن دارد که در این

بخش، پیشنهادهای کمیسیون جامعه اروپا را به وزارت‌های آموزش و پرورش کشورهای اروپایی برای تغییر ساختار نظام‌های آموزشی کشورهای عضو یادآور شویم [22.par2:26]:

«تدوین سیاست‌های ملی مثبت برای تشویق موارد زیر، ضروری می‌نماید:

الف) شرکت بیشتر مردان برای تدریس در دوره ابتدایی؛
 ب) دستیابی بیشتر زنان به مقام‌های مدیریت و معاونت و بازرسی در دوره متوسطه؛

ج) دستیابی بیشتر زنان به آموزشی که امکان تدریس درس‌هایی را که تاکنون در اختیار مردان بوده است، برای آنان فراهم آورد و برعکس.
 د) پژوهش‌های جدید درباره کار واقعی و مسئولیت‌های افراد هر دو جنس در دبیرستان‌ها، برای پیکار با کلیشه‌های تقسیم نقش براساس جنس افراد.»

می‌توان به این رهنمود افزود که همچنین جای آن دارد که وزارت‌های آموزش و پرورش کشورهای جامعه اروپا، همانند دیگر کشورها، سهمی عادلانه‌تر را در آموزش عالی به زنان اختصاص دهند تا مسئولان آینده که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند، متقاعد شوند که در همه سطوح آموزشی، زنان همتای مردان هستند.

اقدامات لازم در میان کارکنان آموزشی و آموزگاران

فعالیت در میان کارکنان آموزشی، در اکثر کشورها یکی از عوامل اساسی موفقیت در ریشه‌کنی تبعیض جنسی در مدارس است. همان‌طور که در پژوهش درباره اوکراین آمده است: «شرط ضروری موفقیت آن